



قرآن و یهود حجاز

(نقد شبهات قرآنی جنگ‌های پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله با یهود)

دکتر محمدرضا عزتی فردوئی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۴۰۰

عزتی فردوئی، محمدرضا، ۱۳۷۰-
قرآن و یهود حجاز (نقد شبهات جنگ‌های پیامبر خاتم‌الصلوات با یهود) / محمدرضا عزتی فردوئی. — قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰.
هشت، ۱۶۴ ص. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۹۸: تاریخ؛ ۱۲۸)
ISBN: 978-600-298-378-7
بها: ۳۴۴۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه. ص. [۱۵۱] - ۱۵۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
عنوان دیگر: نقد شبهات قرآنی جنگ‌های پیامبر خاتم‌الصلوات با یهود.
۱. محمد ﷺ، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- روابط با یهودیان. ۲. -- Muhammad, Prophet --
Jews in the Qur'an الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
BP۲۴/۴۶
۲۹۷/۹۳
۸۶۷۸۰۰۱
شماره کتابشناسی ملی

این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است



قرآن و یهود حجاز (نقد شبهات قرآنی جنگ‌های پیامبر خاتم‌الصلوات با یهود)

مؤلف: دکتر محمدرضا عزتی فردوئی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۰

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۳۴۴۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۲۱۱۱۳۰۰) نمایر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: <http://rihu.ac.ir/fa/book>

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۹۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع برای قرآن پژوهان و پژوهشگران و دانشجویان رشته تاریخ اسلام قابل استفاده است.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از تلاش های مؤلف محترم اثر، دکتر محمدرضا عزتی فردویی، و نیز از ارزیابان محترم اثر، حجت الاسلام والمسلمین مرحوم دکتر محمد اسعدی و دکتر منصور داداش نژاد سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
-------------	---

فصل اول: کلیات و مفاهیم

بیان موضوع	۳
پیشینه	۴
الف) منابع سیره و تاریخ	۴
ب) منابع تفسیری	۵
ج) منابع بررسی کننده شبهات جنگ های پیامبر ﷺ	۶
ضرورت پژوهش	۶
تعریف مفاهیم	۷
الف) شبهه	۷
کتاب نقد قرآن	۸
ب) جنگ	۹
تفاوت جنگ با جهاد	۹
انواع جهاد	۱۰
۱. جهاد دفاعی	۱۱
۲. جهاد ابتدایی	۱۱
ج) معاهده و نقض	۱۲
د) یهود	۱۳
یهود در قرآن؛ دین یا آیین	۱۳
یهود و پیامبر خاتم ﷺ	۱۶

فصل دوم: بررسی و نقد شبهه پیمان شکنی پیامبر اکرم ﷺ در جنگ بنی قینقاع

مقدمه	۱۹
-------------	----

۲۰.....	معاهده پیامبر ﷺ با یهود مدینه
۲۱.....	غزوه بنی قینقاع
۲۳.....	بررسی مستند قرآنی شبهه پیمان شکنی پیامبر در جنگ بنی قینقاع
۲۴.....	الف) مخالفت با ماهیت نقض معاهده در آیه ۵۸ انفال
۲۶.....	۱. بررسی سیاق آیه ۵۸ انفال در مورد ماهیت نقض پیش دستانه
۲۹.....	۲. بررسی دلالت آیه ۵۸ انفال در مورد ماهیت نقض پیش دستانه
۳۱.....	۳. بررسی هدف نقض پیش دستانه در آیه ۵۸ انفال
۳۲.....	ب) مخالفت با معیار نقض معاهده در دیگر آیات قرآن
۳۴.....	ج) مخالفت با هدف تشریع معاهده در قرآن
۳۶.....	د) مخالفت با روایات فریقین
۳۷.....	ه) مخالفت با سیره پیامبر اکرم ﷺ
۳۹.....	بررسی مستند تاریخی شبهه پیمان شکنی پیامبر در جنگ بنی قینقاع
۴۱.....	بررسی سبب نزول آیه ۵۸ سوره انفال
۴۳.....	چکیده فصل

فصل سوم: بررسی و نقد شبهه تخلفات جنگی پیامبر اکرم ﷺ در جنگ بنی نضیر

۴۵.....	مقدمه
۴۷.....	غزوه بنی نضیر
۴۸.....	بررسی شبهه تأیید کوچ اجباری بنی نضیر در قرآن
۴۹.....	مشروعیت کوچ اجباری
۵۱.....	کوچ اجباری از دیدگاه قرآن
۵۲.....	الف) حسن همجواری و همزیستی مسالمت آمیز اجتماعی در قرآن
۵۳.....	ب) مخالفت قرآن با کوچ اجباری نامشروع
۵۵.....	ج) ماهیت کوچ اجباری در قرآن
۵۷.....	نقد شبهه تأیید کوچ اجباری نامشروع در قرآن
۵۷.....	الف) بررسی ماهیت کوچ اجباری بنی نضیر در قرآن
۶۰.....	ب) بررسی ماهیت کوچ اجباری بنی نضیر در منابع تاریخی و تفسیری
۶۰.....	گزارش ابن اسحاق و واقدی
۶۱.....	گزارش صنعانی
۶۳.....	بررسی شبهه بی عدالتی در کوچ اجباری بنی نضیر
۶۳.....	نقد شبهه بی عدالتی در کوچ اجباری بنی نضیر
۶۶.....	نظام قبیله‌ای و کوچ دسته جمعی بنی نضیر
۶۶.....	الف) بررسی زندگی اجتماعی عرب عصر نزول
۶۷.....	ب) بررسی زندگی اجتماعی یهود حجاز
۷۰.....	بررسی شبهه قرآنی ظالمانه بودن قطع درختان در جنگ بنی نضیر

۷۱.....	حرمت تعدی و ظلم در قرآن.....
۷۳.....	نقد شبهه ظالمانه بودن قطع درختان در جنگ بنی نضیر.....
۷۵.....	۱. قطع درختان بنی نضیر براساس قاعده وجوب حفظ اسلام.....
۷۷.....	۲. غیرمثمر بودن درختان بنی نضیر.....
۷۸.....	۳. اختصاصی بودن حکم قطع درختان بنی نضیر برای پیامبر اکرم ﷺ.....
۷۸.....	۴. قطع درختان بنی نضیر برای فراهم ساختن میدان جنگ.....
۷۸.....	۵. جواز قطع درختان در جنگ بنی نضیر به دلیل جهاد با مال.....
۷۹.....	الف) مالکیت پیامبر اکرم ﷺ بر اموال بنی نضیر.....
۸۰.....	ب) جواز قطع درختانی که انفال هستند، براساس قاعده اضطرار.....
۸۲.....	چکیده فصل.....

فصل چهارم: بررسی و نقد شبهه قتل عام یهود در جنگ بنی قریظه

۸۵.....	مقدمه.....
۸۶.....	غزوه بنی قریظه.....
۸۷.....	بررسی مستند قرآنی شبهه قتل عام بنی قریظه.....
۸۸.....	۱. بررسی نظریه کشته شدن برخی از مردان بنی قریظه در میدان جنگ.....
۹۲.....	۲. بررسی نظریه اعدام سران بنی قریظه.....
۹۲.....	الف) الگوی اخلاقی قرآن در مورد برخورد با اسیران جنگی.....
۹۳.....	ب) الگوی اخلاقی قرآن در مورد برخورد با پیمان شکنان و محاربان.....
۹۶.....	ج) شواهد تاریخی اعدام سران بنی قریظه.....
۹۷.....	جایگاه «قتل عام» در الگوی اخلاقی جهاد در قرآن.....
۹۸.....	الف) جایگاه «قتل عام» در ماهیت دفاعی جهاد در قرآن.....
۹۹.....	ب) جایگاه «قتل عام» در اهداف جهاد.....
۱۰۲.....	ج) جایگاه «قتل عام» در قواعد فقهی جهاد در قرآن.....
۱۰۶.....	بررسی مستندات تاریخی شبهه قتل عام بنی قریظه.....
۱۰۷.....	بررسی ادعای تواتر در اثبات قتل عام بنی قریظه.....
۱۱۰.....	بررسی دلالتی روایات حکم سعد بن معاذ.....
۱۱۲.....	بررسی روایات تعداد کشته های بنی قریظه.....
۱۱۵.....	بررسی روایات قتل عام مردان بالغ بنی قریظه.....
۱۱۸.....	اشکالات تاریخی شبهه قتل عام بنی قریظه.....
۱۱۸.....	الف) عدم نقل در منابع معتبر اسلام و یهود.....
۱۱۸.....	ب) مخالفت با واقعیت های تاریخی.....
۱۱۸.....	ج) مخالفت با مسلمات عقلی.....
۱۱۹.....	د) نقل مطالب اسطوره ای.....
۱۲۰.....	ه) الهام از فرهنگ مظلوم نمایی یهود.....

چکیده فصل.....	۱۲۱
----------------	-----

فصل پنجم: بررسی و نقد شبهه مادی گرایی پیامبر اکرم ﷺ در جنگ خیبر

مقدمه.....	۱۲۳
غزوه خیبر.....	۱۲۴
علت وقوع غزوه خیبر.....	۱۲۵
ثروت یهود خیبر.....	۱۲۶
مادی گرایی در جهاد از دیدگاه قرآن.....	۱۲۷
۱. جهاد خالصانه.....	۱۲۷
۲. سرزنش مادی گرایی در جهاد.....	۱۲۹
۳. تشویق به جهاد با اموال.....	۱۳۲
مادی گرایی از دیدگاه روایات.....	۱۳۳
نقد شبهه تأیید مادی گرایی در آیات جنگ خیبر.....	۱۳۵
نقد شبهه قرآنی تعدی به اموال یهود.....	۱۳۸
۱. بررسی فلسفه حقوقی مصادره اموال یهود.....	۱۳۹
۲. نقد شبهه قرآنی بی عدالتی در مصادره اموال یهود.....	۱۴۲
چکیده فصل.....	۱۴۶
نتیجه گیری.....	۱۴۷
منابع.....	۱۵۱

نمایه ها

نمایه آیات.....	۱۵۸
نمایه روایات.....	۱۶۰
نمایه اشخاص.....	۱۶۳

مقدمه

«وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»^۱ و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای اهل ایمان نازل می‌کنیم و ستمگران را جز خسران و زیان نمی‌افزاید».

دشمنان اسلام از زمان نزول قرآن به مبارزه با آن برخاسته و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند، چنان‌که مشرکان با استفاده از نسبت‌های ناروا به قرآن تلاش می‌کردند تا از تأثیر آن در زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم جلوگیری کنند.^۲ در دوران معاصر نیز انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر فرهنگ و سیاست جهان، دشمنان اسلام را بر آن داشت تا با مبارزه علیه اسلام و قرآن مانع رشد فرایند بیداری اسلامی در جهان شوند. یکی از مهم‌ترین تلاش‌های دشمنان در مبارزه با قرآن، ترویج شبهات است که با تدوین کتاب‌های نقد قرآن به اوج رسیده است. از جمله شبهات مطرح‌شده در مورد قرآن، شبهات مربوط به جنگ‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یهود حجاز است که دشمنان اسلام در آنها ضمن مظلوم‌نمایی از یهود و انحراف افکار عمومی از اهداف اصلی جنگ‌های یادشده، چهره‌ای خشن از اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ترسیم نموده‌اند تا اعتبار دین اسلام و قرآن را مخدوش کنند.

بنابراین، در پژوهش حاضر با تحلیل توصیفی و مفهومی مستندات موجود به بررسی و نقد شبهات قرآنی جنگ‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یهود حجاز پرداخته می‌شود. برای پاسخ به شبهات یادشده ابتدا با استفاده از پاسخ‌های نقضی و تبیین مبانی اخلاقی و قواعد فقهی جهاد در قرآن،

۱. اِسراء، ۸۲.

۲. ر.ک: حجر، ۶؛ انبیاء، ۵؛ ص ۴.

بی‌اساس بودن ادعای مخالفان قرآن در مورد تأیید ظلم و تعدی در قرآن اثبات شده و سپس با استفاده از پاسخ‌های حلی، تاریخ معتبری از رفتار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با یهود حجاز ارائه شده است. در پایان لازم می‌دانم از راهنمایی استاد گرامی، حجت‌الاسلام دکتر سیدرضا مؤدب و آنان که در آماده‌سازی این کتاب نقش داشته‌اند، تقدیر و تشکر نمایم.

محمد رضا عزتی

بهار ۱۴۰۰

فصل اول

کلیات و مفاهیم

بیان موضوع

جنگ‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یهود حجاز، از منظر تاریخی، همواره با شبهاتی مواجه بوده است، چنان‌که برخی از مستشرقان به نقد اقدامات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این جنگ‌ها پرداخته‌اند.^۱ در دوران معاصر و با پیدایش نگاه نقادانه به قرآن، برخی از منتقدان قرآن تلاش کرده‌اند تا شبهات یادشده را از دیدگاه قرآن بررسی نموده و از این رهگذر در اعتبار قرآن و دین اسلام مناقشه نمایند. به دیگر سخن، از دیدگاه منتقدان قرآن، مستند اصلی در شبهات جدید جنگ‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یهود حجاز، قرآن است. بنابراین، هدف اصلی در پژوهش حاضر بررسی مستندات قرآنی شبهات یادشده و نقد آنها با رویکرد تفسیری و تاریخی است.

مهم‌ترین شبهات قرآنی در مورد جنگ‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یهود حجاز عبارت‌اند از:

۱. تأیید پیمان‌شکنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ بنی‌قینقاع در آیه ۵۸ انفال؛^۲

۱. برای نمونه کیستر، استاد دانشگاه عبری اورشلیم، با پیروی از ویلیام مویر (د. ۱۹۰۵م) به نقد اقدامات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ بنی‌قینقاع پرداخته است (ر.ک: قتل عام بنی‌قینقاع بازنگری یک روایت، ص ۶۱-۹۶)؛ فایرستون نیز از مستشرقانی است که جنگ‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نقد کرده است (فدایی، جهاد خاستگاه جنگ مقدس در اسلام، ص ۱۱۹-۱۲۰)؛ اسرائیل ولفسون حوادث جنگ بنی‌نضیر را نقد کرده است (ولفسون، تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیة و صدر الاسلام، ص ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۷، ۱۸۸)؛ ویلیام متگمیری وات (د. ۲۰۰۶م) هدف جنگ‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جمله جنگ خیبر را کسب غنیمت دانسته است (محمد فی المدینة، ص ۳۲۷). برای مطالعه بیشتر در مورد شبهات جنگ‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ر.ک: ابن‌وراق، اسلام و مسلمانی، ص ۲۰۳؛ مقاله پیامبر در دائرةالمعارف آمریکانا، ص ۳۴؛ شوقی ابوخلیل، الاسلام فی قفس الاتهام، ص ۳۹۵ و ۳۹۶.

۲. دکتر سها، نقد قرآن، ص ۶۸۱. شایان ذکر است شبهه قرآنی پیمان‌شکنی پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بنی‌قینقاع از سوی مستشرقان مطرح نشده است، اما برخی مفسران به آن توجه داشته و تلاش کرده‌اند تا بدان پاسخ دهند (ر.ک: ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۴۰).

۲. تأیید تخلّفات جنگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ بنی‌نضیر در آیات ابتدایی سوره حشر از جمله قطع درختان، کوچ اجباری و مصادره اموال یهود بنی‌نضیر؛^۱
 ۳. تأیید قتل عام یهود بنی‌قریظه در آیات ۲۶ و ۲۷ سوره احزاب؛^۲
 ۴. تأیید مادی‌گرایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ خیبر در آیات ۱۵ تا ۲۰ سوره فتح.^۳
- در کتاب حاضر هریک از شبهات یادشده در فصلی جداگانه بررسی و نقد خواهد شد.

پیشینه

با توجه به جدید بودن نگارش‌ها در زمینه نقد قرآن، در مورد شبهات قرآنی جنگ‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یهود، پژوهش مستقلی انجام نشده است و پژوهش‌ها در این زمینه بیشتر رنگ تاریخی دارند و مستندات قرآنی آنها کمتر مورد توجه بوده است. با وجود این، به برخی از پژوهش‌ها – که به‌طور عام و خاص به موضوع جنگ‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یهود توجه داشته‌اند – اشاره می‌شود:

الف) منابع سیره و تاریخ

مهم‌ترین منابع سیره و تاریخ که به بررسی جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله با یهود پرداخته‌اند، عبارت‌اند از: السیره النبویه،^۴ عبدالملک بن هشام (د. ۲۱۳ق)؛ المغازی، محمد بن عمر واقدی (د. ۲۰۷ق)؛ الطبقات الکبری، محمد بن سعد زهري (د. ۲۳۰ق)؛ انساب الأشراف و فتوح البلدان، احمد بن یحیی بلاذری (د. ۲۷۹ق)؛ تاریخ الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (د. ۲۸۴ یا ۲۹۲ق)؛ تاریخ الطبری، محمد بن جریر طبری (د. ۳۱۰ق)؛ دلائل النبوة، احمد بن حسین بیهقی (د. ۴۵۸ق)؛ سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی (د. ۹۲۴ق)؛ الروض الأنف فی شرح السیره النبویه، عبدالرحمن السهیلی (د. ۵۸۱ق)؛ السیره الحلبیه، علی بن ابراهیم حلبی (د. ۱۰۴۴)؛ الصحیح من سیره النبی الاعظم، جعفر مرتضی عاملی (د. ۱۴۴۱ق).

۱. دکتر سها، همان، ص ۶۸۷.

۲. همان، ص ۶۸۴.

۳. همان، ص ۶۶۸.

۴. این کتاب در واقع سیره ابن اسحاق (د. ۱۵۱ق) است که ابن هشام آن را جمع‌آوری کرده و گاه از آن کاسته و گاه مطالبی را بر آن افزوده است.

افزون بر منابع یادشده، برخی از کتاب‌های عمومی تاریخ اسلام در دوران معاصر نیز به موضوع جنگ‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یهود توجه داشته‌اند، از جمله: سیره المصطفی، هاشم معروف حسنی؛ حیاة محمد، محمدحسین هیکل؛ محمد فی المدینة، منتگمری وات؛ فروغ ابدیت، جعفر سبحانی؛ تاریخ پیامبر اسلام، محمد ابراهیم آیتی؛ تاریخ صدر اسلام، غلامحسین زرگری‌نژاد؛ تاریخ تحلیلی اسلام، سیدجعفر شهیدی؛ تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، علی اکبر حسنی و تاریخ الاسلام، ابراهیم حسن.

ب) منابع تفسیری

مفسران نیز در ذیل آیات مرتبط با جنگ‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یهود نکاتی را بیان کرده‌اند که از نظر تاریخی دارای اهمیت است؛ از جمله: تفسیر قمی، منتسب به علی بن ابراهیم قمی (د. ۳۲۹ق)؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن، محمدبن جریر طبری (د. ۳۱۰ق)؛ التبیان فی تفسیر القرآن، محمدبن حسن طوسی (د. ۴۶۰ق)؛ تفسیر معالم التنزیل، بغوی (د. ۵۱۶ق)؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، زمخشری (د. ۵۲۸ق)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، علامه طبرسی (د. ۵۴۸ق)؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی (د. ۵۵۶ق)؛ مفاتیح الغیب، فخر رازی (د. ۶۰۲ق)؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، سیوطی (د. ۹۱۱ق)؛ البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم بحرانی (د. ۱۱۰۷ق)؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، آلوسی (د. ۱۲۷۰ق)؛ تفسیر المراغی، احمدبن مصطفی مراغی (د. ۱۳۷۱ق)؛ تفسیر المنار، رشیدرضا (د. ۱۳۱۴ق)؛ فی ظلال القرآن، سیدقطب (د. ۱۳۸۶ق)؛ التحریر و التنویر، محمدطاهر ابن‌عاشور (د. ۱۳۹۳ق)؛ التفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (د. ۱۴۰۰ق)؛ المیزان فی تفسیر القرآن، علامه محمدحسین طباطبائی (د. ۱۴۰۲ق)؛ التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، وهبة الزحیلی (معاصر)؛ تفسیر نمونه، آیت‌الله مکارم شیرازی (معاصر).

شایان ذکر است، در تفاسیر متقدم و روایی، بیشتر به نقل گزارش‌های تاریخی جنگ‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با یهود پرداخته شده است، اما در تفاسیر اجتماعی و متأخر، برخی مفسران تلاش کرده‌اند تا به شبهات پیرامون آیات نیز پاسخ دهند.

ج) منابع بررسی‌کننده شبهات جنگ‌های پیامبر ﷺ

برخی از مهم‌ترین کتاب‌هایی که در زمینه جنگ‌های پیامبر اکرم ﷺ به شبهات توجه داشته‌اند عبارت‌اند از: محمد و اليهود نظرة جديدة، سیداحمد برکات؛ ضوء جدید علی قصة بنی قریظه و یهود المدینة، ولید عرفات؛ النبوة والعصر (ردود علی الشبهات حول رسالة و نبوة محمد ﷺ)، محمدرشیدی عبید؛ پیامبر و آیین نبرد، مصطفی طلاس؛ مقاله «ارزیابی اعتبار اسناد در منابع صدر اسلام، بررسی موردی داوری سعد بن معاذ درباره بنی قریظه»، محمد الشراوی و عبدالهادی العجمی؛ رحمت نبوی و خشونت جاهلی (رویکردی نو به رفتار پیامبر ﷺ با مخالفان)، صابر اداک؛ پیامبر ﷺ و یهود حجاز، مصطفی صادقی؛ الموسوعة الكبرى فی غزوات النبی الاعظم، محمد محسن فقیه؛ رسول اکرم در میدان جنگ، محمد حمیدالله؛ پاسخ به شبهات کلامی (دفتر سوم: درباره پیامبر اعظم ﷺ)، محمدحسن قدردان قراملکی؛ نقد دیدگاه فایرستون در مسئله جهاد بر پایه کتاب «جهاد، خاستگاه جنگ مقدس در اسلام»،^۱ علی فدایی؛ مقاله «نقد دیدگاه مستشرقان در مورد جنگ‌های پیامبر ﷺ، حسین عبدالمحمدی؛ مقاله «تأملی پیرامون روایت کشتن یهودیان بنی قریظه در منابع تاریخ و تفسیر»، سیدمحمدعلی ایازی؛ مقاله «تحلیل و پاسخ به شبهه درگیری پیامبر اکرم ﷺ با یهود بنی قریظه»، عزیزالله کریمی تبار و دیگران؛ غزوة بنی قریظه و اعتبارسنجی گزارش‌های مشهور تاریخی درباره آن، احمدرضا نوازنی و دیگران؛ نقد دیدگاه مستشرقان در مورد غزوات پیامبر ﷺ، محمدتقی منانت‌پور.

ضرورت پژوهش

چنان‌که در پیشینه بیان شد، رنگ غالب پژوهش‌های انجام‌شده در مورد جنگ‌های پیامبر اکرم ﷺ با یهود، تاریخی است و در مورد شبهات قرآنی جنگ‌های یادشده پژوهش مستقلی انجام نشده است. همچنین، شبهات قرآنی جنگ‌های پیامبر اکرم ﷺ با یهود با هدف ترسیم چهره خشونت‌آمیز از اسلام و پیامبر اکرم ﷺ و در نتیجه بی‌اعتباری قرآن مطرح شده‌اند. ازاین‌رو، نقد و بررسی آنها ضروری است. مقابله با انگیزه‌های سیاسی و فرهنگی یهود، مانند مظلوم‌نمایی و ایجاد مشروعیت دینی و سیاسی و انحراف افکار عمومی نسبت به اهداف اصلی جنگ‌های پیامبر اکرم ﷺ با یهود نیز از دیگر دلایل اهمیت موضوع است، چنان‌که نویسنده کتاب نقد قرآن

۱. رساله دکتری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.

در چند جای کتاب خویش به مصائب یهود و تلاش برای اثبات مظلومیت آنان پرداخته است. برای نمونه، وی در ذیل آیه ۶۴ سوره مائده می‌نویسد: «جنگ‌های یهودیان برای دفاع از سرزمینشان بوده است نه اشغال سرزمین‌های دیگران، سرزمین آنان بارها مورد تجاوز قرار گرفته... یهود مسبب کدام فساد در کره زمین بوده‌اند...»^۱.
در ذیل آیه ۱۴۰ سوره اعراف نیز به برتری قوم یهود بر دیگر اقوام اشاره کرده و می‌نویسد: «این همان برتری نژادی قوم یهود است که مورد تأکید تورات است...»^۲.
همچنین دفاع از مظلومیت یهود در جنگ با پیامبر اکرم ﷺ و تأکید بر اختصاص سرزمین فلسطین به بنی اسرائیل و... ردّ پای یهود در نگارش کتاب نقد قرآن را آشکار می‌کند.^۳

تعریف مفاهیم

مفاهیم اصلی کتاب پیش رو عبارت‌اند از: شبهه، جنگ، جهاد، یهود و مفاهیمی که در ذیل این موارد قرار می‌گیرند.

الف) شبهه

شبهه در لغت به معنای مشابهت دو شیء است، چنان‌که از یکدیگر متمایز نیستند و باعث اشتباه و اشکال می‌شوند،^۴ اما در اصطلاح به سخنی گفته می‌شود که حق و باطل در آن مخلوط و از آن اراده باطل شده است؛ از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) روایت شده که فرمود: «وَإِنَّمَا سُمِّيتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشَبِّهُ الْحَقَّ؛ از آن رو شبهه را شبهه نامیده‌اند که همانند حق است».^۵
بنابراین، منظور از شبهات قرآنی، بیان مطالبی در فهم آیات قرآن است که در آنها حق و باطل به هم آمیخته شده است، چنان‌که مخاطب را به اشتباه می‌اندازد. غالباً این مطالب در تفسیر آیاتی بیان می‌شوند که آمادگی پذیرش شبهه را دارند؛ به عبارت دیگر، از ظاهر آنها می‌توان حق و باطل را اراده کرد. برای نمونه، در تقابل امام علی (علیه السلام) با گروه خوارج وقتی آنها شعار قرآنی می‌دادند:

۱. دکتر سها، نقد قرآن، ص ۴۶۵.

۲. همان، ص ۵۰۰.

۳. همان، ص ۴۵۸-۴۸۴-۴۸۷.

۴. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۲۴۳؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۴۴۳.

۵. نهج البلاغه، ص ۸۱.

«إِنَّ الْحُكْمَ لِلَّهِ» (حکم و فرمان تنها از آن خداست) ایشان نفرمود: این حرف باطل است، بلکه فرمود: سخن حقی است، اما اراده باطل از آن کرده‌اند.^۱ در برخی از شبهات مورد بحث نیز معانی استنباط شده از آیات قرآن، صحیح است، اما از آنها اراده باطل شده است، چنان که آیه «وَعَدَ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً»^۲ بیانگر وعده خداوند به غنائم جنگ خیر است، اما منتقدان قرآن از آن اراده باطل کرده و شبهه مادی گرایی در جنگ‌های اسلام را به قرآن نسبت داده‌اند.

کتاب نقد قرآن

کتاب نقد قرآن در سال ۱۳۹۱ در فضای مجازی منتشر شده است. نویسنده این کتاب «دکتر سها» نام دارد که نامی مستعار است.^۳ به تصریح نویسنده، وی دانش‌آموخته دکتری و دارای تحصیلات حوزوی است.^۴ از دیدگاه برخی محققان، کتاب یادشده حاصل کار گروهی بوده است.^۵ کتاب نقد قرآن جامع‌ترین کتاب در مورد شبهات قرآن و در ۹۳۵ صفحه به گردآوری شبهات قرآن پرداخته است. هدف نویسنده در این کتاب اثبات وجود خطا و ضعف در قرآن کریم و در نتیجه غیرالهی بودن آن است. وی در مقدمه کتاب می‌نویسد:

اگر قرآن کتاب خدا باشد، باید حداقل دو ویژگی اساسی داشته باشد: اولاً، صددرصد و از هر جهتی درست و بدون ضعف باشد؛ زیرا کلام خداست و خدا عالم و عاقل است و خطا نمی‌کند؛ ثانیاً، باید دارای معجزه باشد، یعنی چیزهایی داشته باشد که از توان بشر خارج باشند.^۶

ناقد قرآن درباره شیوه استدلال و ادعای خود در کتابش می‌گوید: «روش استدلال این کتاب بسیار ساده است:

- کبری: اگر قرآن از خدا باشد، بدون خطا و ضعف و دارای معجزه است؛
- صغری: قرآن پر از خطا و ضعف است و معجزه‌ای هم ندارد؛
- نتیجه: پس قرآن از خدا نیست. کار این کتاب اثبات صغری است».^۷

۱. همان، خطبه ۴۰.

۲. فتح، ۲۰.

۳. دکتر سها، نقد قرآن، ص ۲۴.

۴. همان.

۵. رضایی اصفهانی، بررسی مبانی نقد قرآن سها، ص ۱۸.

۶. دکتر سها، نقد قرآن، ص ۲۵.

۷. همان، ص ۲۹.

در پاسخ به شبهات کتاب نقد قرآن تلاش‌هایی انجام شده است و برخی از فصل‌های آن از سوی پژوهشگران مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.^۱ همچنین برخی پژوهشگران تلاش کرده‌اند به همه شبهات این کتاب پاسخ دهند.^۲ هدف کتاب حاضر نیز پاسخ به شبهات قرآنی جنگ‌های پیامبر اکرم ﷺ با یهود حجاز است که در کتاب نقد قرآن مطرح شده‌اند.

ب) جنگ

کلمه «جنگ» در لغت به معنی جدال، ستیزه، نبرد، پیکار، رزم و... است.^۳ کلمه جنگ در اصطلاح، مفهوم گسترده‌ای دارد و شامل هرگونه درگیری میان افراد و گروه‌ها می‌شود. از این رو، مفاهیم اخلاقی، مانند حق، باطل، عدالت، حقوق و... در مفهوم عام جنگ دخالتی ندارند، اگرچه در برخی از الگوهای اخلاقی جنگ، از جمله «جنگ عادلانه» بر آنها تأکید می‌شود.

تفاوت جنگ با جهاد

کلمه جنگ در معنای عام آن با کلمه «جهاد» در فرهنگ اسلامی که ناظر به قواعد فقهی و اخلاقی آن است تفاوت دارد چه آنکه «جهاد» اصلی است که بر مشقت، سختی و تلاش دلالت دارد^۴ و کلمه «جهاد» که مصدر آن است، عبارت است از: نهایت تلاش و کوشش در فعل و قول،^۵ از این رو، تلاش و کوشش در دفاع از آرمان‌های مقدس، از جمله دین اسلام، یکی از مصادیق جهاد است.

برای مفهوم اصطلاحی جهاد نیز تعاریف مختلفی بیان شده است که جامع‌ترین آنها عبارت است از: «بذل النفس و المال و الوسع فی اعلاء کلمة الاسلام و اقامة شعائر الایمان».^۶

بر این اساس، هرگونه تلاش در راه خدا برای تعالی اسلام و اقامه شعائر دین به معنی جهاد است، اما جهاد مورد بحث در پژوهش حاضر – که در تقابل با مفهوم عام جنگ و عملیات

۱. ر.ک: رضایی اصفهانی، همان، ص ۲۲.

۲. رضایی، عرصه سیمرخ «پاسخی قاطع به شبهات کتاب نقد قرآن سها».

۳. ر.ک: دهخدا، لغتنامه و عمید، فرهنگ عمید، واژه جنگ.

۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۲۰۸.

۵. حسین یوسف موسی و عبدالفتاح صعیدی، الافصاح فی فقه اللغة، ج ۲، ص ۱۰۵۰.

۶. نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۳.

نظامی است - عبارت است از: «بذل النفس وما يتوقف عليه من المال في محاربة المشركين أو الباغين».^۱ و یا «القتال لإعلاء كلمة الاسلام و اقامة شعائر الايمان».^۲

جهاد در معنای یادشده، دارای احکام و قواعد فقهی است که آن را از مطلق جنگ و عملیات نظامی متمایز می‌کند.^۳ بنابراین، اصطلاح جهاد با جنگ متفاوت است؛ زیرا جنگ مفهوم عامی است و بر هر نوع عملیات نظامی اطلاق می‌شود و می‌تواند به صورت حق و باطل انجام شود، در حالی که مفهوم جهاد در اسلام مبتنی بر مبانی اخلاقی آن است. ازاین‌رو، تعریف کامل جهاد در بعد نظامی آن عبارت است از: «مبارزه با دشمنان اسلام در راه خدا براساس احکام شرعی و مبانی اخلاقی به وسیله جان و مال و با هدف اعتلاء کلمه اسلام و برپایی شعائر آن». بر این اساس، می‌توان گفت جهاد در اسلام با نظریه جنگ عادلانه در قوانین حقوق بشر هم‌سو است و نکات اشتراک زیادی با یکدیگر دارند.^۴

بنابراین، بین کلمه جنگ و جهاد رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد. به عبارت دیگر هر جهادی از حیث عملیات نظامی، نوعی جنگ است اما هر جنگی جهاد نیست. شایان ذکر است، انتساب کلمه جنگ به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پژوهش حاضر، همان بُعد نظامی جهاد است، اگرچه کاربرد کلمه جنگ به صورت عام به جای جهاد در شبهات قرآنی جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله با یهود از سوی مخالفان اسلام، مغرضانه و ناظر به معنای مذموم جنگ و در جهت القای شبهات آنان است.

انواع جهاد

جهاد به معنای عام آن - که عبارت است از هرگونه تلاش برای رسیدن به خدا - انواع مختلفی دارد از جمله جهاد در کسب و توسعه علم، جهاد در کمک به مستضعفان، جهاد در حمایت از مظلومان و...، اما جهاد فقهی مورد بحث در پژوهش حاضر به دو دسته تقسیم شده است:

۱. همان.

۲. خوئی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۶۰.

۳. نجفی، همان، ص ۳-۱۶.

۴. ر.ک: لگنهاوزن، «اسلام و نظریه جنگ عادلانه»، مجله اندیشه دینی، شماره ۲۶، بهار ۱۳۸۷، ص ۳-۳۴.

۱. جهاد دفاعی

جهاد دفاعی به معنی دفاع از اسلام و سرزمین‌های اسلامی است در برابر دشمن مهاجمی که اساس اسلام را تهدید می‌کند یا قصد استیلا بر سرزمین‌های اسلامی و ناموس و اموال مسلمانان و یا کشتن گروهی از مسلمانان را دارد.^۱ جهاد دفاعی ریشه در عقل و فطرت انسان دارد. از این رو، تمامی فقهای اسلام نسبت به جواز آن در هر زمانی، اتفاق نظر دارند. در قرآن نیز به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ زیرا مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست.^۲

۲. جهاد ابتدایی

«جهاد ابتدایی» در مقابل «جهاد دفاعی» است و انگیزه آن دعوت کفار به اسلام است، بدون اینکه از سوی آنها حمله‌ای صورت گیرد یا بیم حمله آنها به وطن اسلامی یا به مسلمان‌ها وجود داشته باشد.^۳ فقهای شیعه در مورد جواز جهاد ابتدایی در زمان غیبت امام معصوم با یکدیگر اختلاف دارند.^۴ در برخی از پژوهش‌ها نیز جواز جهاد ابتدایی به صورت کلی نفی شده است،^۵ اما قول مشهور در این زمینه جواز جهاد ابتدایی در زمان حضور معصوم است.^۶ شایان ذکر است، جهاد ابتدایی نیز در پاسخ به ظلم و تعدی دشمنان اسلام و جلوگیری آنان از توسعه دین اسلام و بهره‌مندی مردم از نعمت دین اسلام، انجام می‌شود. از این رو، هدف از جهاد ابتدایی رفع مانع از مسیر دعوت به دین اسلام است. بنابراین، تقسیم‌بندی یادشده بر مبنای نوع تعدی دشمن انجام شده است و در حقیقت، ماهیت هر دو به دفاع بر می‌گردد و اسلام هیچ‌گاه آغازکننده جنگ نیست.^۷ علامه طباطبایی و شهید مطهری نیز حقیقت جهاد را در همه انواع آن دفاعی دانسته‌اند^۸ که در خلال پژوهش حاضر به آنها اشاره خواهد شد.

۱. العاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۳، ص ۸.

۲. «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج، ۳۹).

۳. مؤمن، «جهاد ابتدایی در عصر غیبت»، مجله فقه اهل بیت (ع)، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۰، ص ۳-۵۱.

۴. همان.

۵. مفتاح، «جهاد ابتدایی در قرآن و سیره پیامبر»، فصلنامه علوم حدیث، شماره ۵۶، تابستان ۱۳۸۹، ص ۶-۱۹.

۶. مؤمن، همان.

۷. جوادی آملی، حماسه و عرفان، ص ۲۴.

۸. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۶؛ مطهری، جهاد، ص ۶۶-۷۰.

در هر حال، بررسی نوع جنگ‌های پیامبر ﷺ با یهود در نقد شبهات قرآنی این جنگ‌ها اهمیت زیادی دارد که در پژوهش حاضر بررسی خواهد شد.

ج) معاهده و نقض

معاهده: کلمه «عهد» در لغت به معنای نگهداری و محافظت نمودن از یک چیز و رعایت لحظه به لحظه آن است.^۱ و «مُعَاهَدَه» از باب مفاعله و دلالت بر استمرار عهد و متعهد شدن [طرف‌های معاهده] بر پایبندی به آن است.^۲ معاهده در اصطلاح شرع عبارت است از: «توافق میان دولت اسلامی با سایر دول و سازمان‌های بین‌المللی در موضوع یا موضوعات خاصی که شرع مقدس اعتبار و آثار حقوقی بر آن مترتب کرده است».^۳ از این رو، معاهدین کسانی هستند که بین آنان و مسلمانان عهد و میثاقی وجود دارد، چه این عهد و میثاق نتیجه نزاع بین طرفین باشد و چه به صورت ابتدایی بین دولت اسلامی و دول دیگر منعقد شده باشد.^۴ برای معاهده در اصطلاح حقوق بین‌الملل نیز تعاریف مختلفی بیان شده است.^۵

نقض: کلمه نقض در لغت به معنی گسستن و باز نمودن پیوستگی ساختمان و گره طناب و گردنبند است^۶ و در حقوق معاهدات انواع مختلفی دارد:

نقض پیش‌دستانه: در تعریف آن گفته‌اند: «هرگاه در ایفای تعهدی، متعهد از انجام مورد تعهد استنکاف کند یا حتی علانمی از عدم ایفاء در وی مشاهده شود، طرف مقابل در صورت جدی دیدن شرایط می‌تواند به قاعده نقض پیش‌دستانه استناد و ختم معاهده را اعلام نماید».^۷

نقض پیشین: براساس آن جواز نقض عهد تنها با نقض ابتدایی طرف مقابل امکان‌پذیر است.^۸

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۵۹۱؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۱۶۷.

۲. و المعاهدة مفاعلة تدل على الاستمرار العهد و التعاهد لمطابقة المعاهدة (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۸، ص ۲۴۶).

۳. عظیمی شوشتری، حقوق قراردادهای بین‌المللی در اسلام، ص ۱۱۲.

۴. شبان‌نیا، آثار جهاد در روابط بین‌الملل، ص ۲۵۵.

۵. ر.ک: ضیائی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، ص ۱۰۵؛ فلسفی، حقوق بین‌الملل معاهدات، ص ۹۰.

۶. راغب اصفهانی، همان، ص ۸۲۱.

۷. داراب‌پور، قاعده مقابله با خسارت، ص ۲۱.

۸. طوسی، نظام بین‌الملل معاهدات از منظر قرآن کریم، ص ۲۸۷.

د) یهود

در مورد ریشه کلمه «یهود» اختلاف وجود دارد، اما براساس دیدگاه مشهور، برگشت این کلمه که ریشه‌ای عبری دارد، به واژه جامد «یهودا» است. گفته می‌شود گروهی از بنی اسرائیل – که در جنوب فلسطین می‌زیستند – به اعتبار یهودا فرزند حضرت یعقوب (علیه السلام) به این نام خوانده شدند و سپس این نام بر همه آنان اطلاق شده است؛^۱ بنابراین، کلمه «یهود» در اصطلاح عام، معادل کلمه «بنی اسرائیل» (فرزندان حضرت یعقوب (علیه السلام)) است و بر تمامی یهودیان در اعصار مختلف اطلاق می‌شود، اما به نظر می‌رسد قرآن کریم در کاربرد این دو کلمه مقاصد خاصی را دنبال می‌کند که در ادامه به بررسی آن می‌پردازیم.

یهود در قرآن؛ دین یا آیین

قرآن در بیش از هزار آیه به صراحت یا کنایه درباره حضرت موسی (علیه السلام)، قوم بنی اسرائیل و یهود سخن گفته است.^۲ درباره بنی اسرائیل ۴۱ بار در شانزده سوره سخن به میان آمده است. در همه این موارد موضوعات زیر مطرح شده است:

تذکر به نعمت‌های الهی که به آنها عنایت شده و نشانه‌هایی که برای هدایت آنان آمده است؛^۳ عهد گرفتن خدا از آنها برای عبودیت خود؛^۴ فرستادن نعمت هدایت به واسطه پیامبران (علیهم السلام) و کتاب آسمانی؛^۵ و بسیاری موارد دیگر. در تمام مواضع، جز دو نمونه: لعن شدن کافران بنی اسرائیل به زبان حضرت داود و عیسی (علیهم السلام) و گونه‌ای پیشگویی در مورد آینده آنها،^۶ آنچه مطرح شده نعمت‌های الهی و توجه و عنایاتی است که به آنها روا داشته است، اعم از لطف‌های مادی و معنوی که در مسیر هدایت ایشان رسیده است.^۷

در مقابل، ۲۲ بار در قرآن درباره یهود سخن آمده و به موضوعات ذیل پرداخته شده است:

۱. صادقی، پیامبر (علیه السلام) و یهود حجاز، ص ۳۱.

۲. مصطفوی، التیام، ص ۱۰۹.

۳. اعراف، ۱۳۸؛ یونس، ۹۰؛ اسراء، ۱۰۴ و ۱۰۱؛ اعراف، ۱۳۷؛ طه، ۸۰.

۴. بقره، ۴۰ و ۸۳؛ مائده ۱۲ و ۷۰.

۵. آل عمران، ۴۹؛ صف، ۶؛ مائده، ۷۰ و ۷۲؛ اعراف، ۱۰۵؛ جاثیه، ۱۶.

۶. مائده، ۷۸.

۷. مصطفوی، همان، ص ۱۱۰.

ادعای اختصاصی بودن بهشت فقط برای یهودیان؛ ادعای یهود مبنی بر اینکه مسیحیان هیچ سهمی از حقیقت و هدایت نبرده‌اند؛ ادعای گزاف رستگاری فقط به دلیل یهودی بودن؛ ادعای یهودی بودن ابراهیم، اسماعیل و یعقوب (علیهم‌السلام)؛^۱ ادعای کفرآمیز فرزند خدا بودن عزیر؛^۲ اشاره به تحریف کلام حق، حرام شدن بعضی نعمت‌های حلال بر آنها به دلیل ظلمی که مرتکب شدند؛^۳ ادعای واهی دوستی و فرزندى خدا؛ اشاره به ایمان زبانی، دروغ بستن به خدا و سخن‌چینی آنها؛ معامله کتاب و احکام خدا به بهای اندک؛^۴ کیفر آنها با حرام شدن برخی نعمت‌های حلال بر ایشان؛^۵ ستمکاری آنها بر خود؛ ادعای واهی دوستی با خدا و مقرب بودن در درگاه او؛^۶ ادعای کفرآمیز بسته بودن دسته خدا در تقدیر و تدبیر؛^۷ و

بنابراین، در تمامی مواردی که صراحتاً به یهود اشاره شده است، آنان مردمانی پرمدعا، دروغ‌گو، تحریف‌گر، ظالم، بی‌توجه به احکام خدا، دشمن مؤمنان (مذاهب ابراهیمی) و دارای ادعاهایی دروغین هستند.

بنابراین، هدف قرآن از کاربرد کلمه یهود در مقابل کلمه بنی اسرائیل، اشاره به جعلی بودن این فرقه و انحراف آن از مسیر حق است، اما بنی اسرائیل قومی مورد عنایت خدا هستند که پیامبران بزرگی چون داود و سلیمان و عیسی (علیهم‌السلام) از میان آنان برخاسته و با انحرافات آنان مبارزه کرده‌اند. دین بنی اسرائیل نیز مجموعه‌ای از احکام، عقاید، اخلاق و آیین عبادی بود که پایه و اساس آن مانند دیگر ادیان ابراهیمی، تسلیم شدن در برابر خداوند است که براساس آیات قرآن، برخی از امور برای آنها حلال و برخی نیز حرام بوده است؛ آیه ذیل به برخی از احکام ایشان دلالت دارد:

«وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ»^۸ و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛ و به پدر

۱. بقره، آیات ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۳۵ و ۱۴۰.

۲. توبه، ۳۰.

۳. نساء، ۴۶ و ۱۶۰.

۴. مائده، ۱۸، ۴۱ و ۴۴.

۵. انعام، ۱۴۶.

۶. بقره، ۱۲۰.

۷. مائده، ۶۴.

۸. بقره، ۸۳.

و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید؛ و به مردم نیک بگویید؛ نماز را برپا دارید؛ و زکات بدهید. سپس (با اینکه پیمان بسته بودید) همه شما - جز عده کمی - سرپیچی کردید؛ و (از وفای به پیمان خود) رویگردان شدید».

دین بنی اسرائیل، تنها دین مدون تا عصر نزول قرآن است و حتی مسیحیت به‌رغم کثرت جمعیت، هرگز امتی مستقل از آنان نبود؛ زیرا مسیح (علیه السلام) خود یک بنی اسرائیلی بود که از سوی خداوند برای اصلاح امت بنی اسرائیل و یهود فرستاده شده بود و نه برای پایه‌گذاری دین و امت جدید،^۱ اما آزمندی به زندگی دنیا، پیروی از هوای نفس، نژادپرستی و دوری از خط انبیاء و در نتیجه انحراف این قوم از مسیر حق باعث شد تا این دین الهی تبدیل به یک آیین جعلی به نام یهودیت شود. آیین یهود، آرمان‌های الهی را به نفع خود تحریف کرد، مانند آرمان «حکومت جهانی» و نیز «آرمان وراثت زمین به دست صالحان» که نخست وعده‌ای الهی و دینی بود که ابتدا در تورات آمد و سپس در زبور داود (علیه السلام) تکرار شد و قرآن نیز آن را یادآوری و تأکید کرد: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛^۲ در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

در آیه یادشده مقصود از صالحان، همان مؤمنان به حق و پیامبران‌اند؛ اما یهود این وعده دینی را تبدیل به آرمانی قومی و نژادی کرده و به جای صالحان، صهیونیسم را نشانده^۳. پس از نابودی فرعونیان، موسی (علیه السلام) می‌توانست به مصر بازگردد و حاکمیت آن را به دست گیرد، اما چنین نکرد چون مأموریت خدا این بود که موحدان در قدس ساکن شوند، اما پس از ایجاد انحرافات اساسی در دین موسوی، یهودیان دنیاپرست، دیگر حق سیادت در قدس را نداشتند؛ بلکه مأموریت تصرف قدس از جانب خدا تنها به صالحان داده شده بود^۴ و از همین‌رو، حرکت‌ها و جنگ‌های مسلمانان به سمت قدس بود که در آن زمان در تصرف مسیحیان و نه یهودیان قرار داشت.^۵

از دیگر تحریفات این آیین خودخوانده، اعتقاد به اصل «قوم برگزیده» است، چنان‌که خطای

۱. مصطفوی، همان، ص ۵۳.

۲. انبیاء، آیه ۱۰۵.

۳. مصطفوی، همان، ص ۱۲۷.

۴. عهد عتیق، تثنیه، باب ۲۶ و ۳۰.

۵. مصطفوی، همان، ص ۱۲۹.

فلسفی آنها مبنی بر ناتوانی خداوند در تغییر مقدرات، باعث شد که آنان در تمامی حالات، خود را قوم برگزیده بدانند. آنان می‌پنداشتند چون خداوند قوم بنی اسرائیل را یک بار برای همیشه قوم برگزیده معرفی کرده است، دست خود او نیز از هرگونه تغییر در سرنوشت یهود و حتی مجازات آنان در برابر کفر و شرک و قتل و جنایت بسته است.^۱

قرآن، همان‌گونه که به تبیین دین یهود و ستایش مؤمنان ایشان پرداخته،^۲ آیین جعلی یهود را نیز به چالش کشیده است، چنان‌که در رد ادعای آنان در مورد برگزیدگی قوم یهود و اینکه بهشت خاص آنان است؛ می‌فرماید:

«قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَلَكِنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ»^۳ بگو: اگر آن (چنان که مدعی هستید) سرای دیگر در نزد خدا، مخصوص شماست نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید! ولی آنان، به خاطر اعمال بدی که پیش از خود فرستاده‌اند، هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد؛ و خداوند از ستمگران آگاه است».

بنابراین، مقصود از یهود در پژوهش حاضر، آیین یهود است که پیمان خویش را با پیامبر اکرم ﷺ شکستند و علیه او توطئه کردند.

یهود و پیامبر خاتم ﷺ

در عصر بعثت، گروهی از اهل کتاب به جای مهاجرت به سرزمین‌های آباد شام و عراق، راهی سرزمین تفتیده حجاز شدند. سرزمینی که زمزمه‌های ظهور پیامبر آخرالزمان ﷺ در آن به گوش می‌رسید.^۴ آنان منتظران موعودی بودند که صفاتش در کتاب‌هایشان مکتوب بود و برای پیروی از او هجرت کرده و معتقد بودند آنان را از ظلم و ستم نجات می‌دهد.^۵ پیامبری که او را می‌شناختند و عمیقاً به او اعتقاد داشتند.^۶

۱. همان، ص ۱۳۲.

۲. نساء، ۱۶۲؛ اعراف، ۱۵۹ و ۱۸۱، آل عمران، ۷۵؛ مائده، ۶۶.

۳. بقره، ۹۴ و ۹۵.

۴. حلبی، السيرة الحلبية في سيرة الامين المأمون، ج ۱، ص ۱۱۳.

۵. اعراف، ۱۵۷.

۶. بقره، ۱۴۶.

منتظران موعود، در زمان بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دو دسته تقسیم شدند: دسته اول کسانی بودند که بر ایمان خود استوار ماندند^۱ و دسته دوم کسانی بودند که در مقابل کفار عرب - که متعرض آنها می شدند - آرزوی رسیدن بعثت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله را می کردند تا آنها را از این ذلت نجات دهد، اما در زمان بعثت با آنکه او را می شناختند، نسبت به او کافر شدند.^۲

در کنار منتظران موعود، گروهی نیز انتظار نابودی او را می کشیدند. تلاش برای نابودی موعود، در کنار انتظار موعود، سابقه ای دیرینه دارد.^۳ این گروه به دلیل تعصبات نژادی، پیش از تولد پیامبر صلی الله علیه و آله با وی سر دشمنی داشتند.^۴

بنابراین، روی سخن این پژوهش یهودیانی هستند که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کفر ورزیده و با او وارد جنگ شدند و غالباً در مدینه زندگی می کردند.

هنگاهی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله وارد مدینه شد، هیئتی از سه قبیله یهودی (بنی قریظه، بنی نضیر و بنی قینقاع) خدمت حضرت رسیدند و از ایشان پرسیدند: مردم را به چه می خوانی؟ فرمود: «به گواهی دادن به توحید و رسالت خودم. من کسی هستم که نامم را در تورات می یابید و علمایان گفته اند که از مکه ظهور و به این حره (مدینه) کوچ می کنم...» یهودیان گفتند: آنچه گفتی شنیدیم. اکنون آمده ایم با تو صلح کنیم که به سود یا زیان تو نباشیم و کسی را علیه تو یاری نکرده و متعرض یارانت نشویم؛ تو هم متعرض ما و دوستانمان نشوی تا ببینیم کار تو و قومت به کجا می انجامد. پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرفت و قراردادی نوشته شد که براساس آن، یهود نمی بایست علیه پیامبر صلی الله علیه و آله یا یکی از یارانش به زبان، دست، اسلحه، مرکب، پنهانی یا آشکارا، شب و یا روز اقدامی انجام می داد... اگر یهود این تعهدات را نادیده می گرفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله می توانست خون ایشان را بریزد، زن و فرزندانشان را اسیر کند و اموالشان را غنیمت بگیرد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله برای هریک از این قوم قراردادی جداگانه نوشت.^۵

۱. قصص، ۵۴.

۲. بقره، ۸۲؛ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۲۲.

۳. مصطفوی، النیام، ص ۱۸۷.

۴. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۰۰.

۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۱۰؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۵۷ و ۱۵۸؛ احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۲۶۰.

اما پس از مدتی یهود حجاز اعم از سه قبیله یادشده، از جمله یهود خیبر و بنی المصطلق، پس از تحریکات فراوان بر ضد اسلام و حرکات ایدایی همگی شکست خورده و متواری شدند.^۱

در فصل‌های بعدی و در چارچوب هریک از شبهات قرآنی مطرح‌شده در مورد جنگ‌های پیامبر ﷺ با یهود، توضیحات بیشتری در مورد چهار گروه یهودی که با پیامبر ﷺ وارد جنگ شدند، ارائه می‌شود.

۱. مصطفوی، التیام، ص ۱۸۷؛ آل عمران، ۱۱۲.

فصل دوم

بررسی و نقد شبهه پیمان شکنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ بنی قینقاع

مقدمه

هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یثرب و تعامل فرهنگی و سیاسی ایشان با گروه‌های یهودی، دارای اهمیت فراوان است؛ زیرا این تعامل با اقدامات صلح جویانه، مانند انعقاد معاهده، آغاز شد و با محاصره و تبعید یهود و در مواردی با مصادره اموال و کشتار برخی از آنان از سوی مسلمانان پایان یافت.^۱ این دوگانگی در تعامل پیامبر صلی الله علیه و آله با یهود، دست‌مایه اتهامات و شبهات مخالفان اسلام شده است؛ زیرا با تتبع ناقص و بررسی ناقص مستندات قرآنی و تاریخی، به بررسی و تحلیل این تعامل پرداخته‌اند. از جمله شبهات قرآنی مطرح شده در مورد تعامل پیامبر صلی الله علیه و آله با یهود، شبهه پیمان شکنی پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ با یهود بنی قینقاع است. در این باره به آیه «وَأَمَّا خُثَافٌ مِنْ قَوْمِ خِزَامَةَ فَأَنبَدُوا إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ»^۲ استناد شده است؛^۳ با این بیان که آیه یادشده بر «جواز شکستن قرارداد در صورت ترس شکستن از طرف کفار» دلالت دارد و شاهد تاریخی آن نیز جنگ بنی قینقاع است، چنان‌که پیامبر صلی الله علیه و آله ترس شکستن قرارداد از طرف یهود بنی قینقاع و نیز گناه یک یهودی در اهانت به یک زن مسلمان را بهانه نقض عهد و حمله به یک قوم قرار داده است.^۴

۱. ر. ک: حشر، ۲ و ۳؛ احزاب، ۲۶ و ۲۷.

۲. هرگاه (با ظهور نشانه‌هایی) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، به‌طور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است؛ زیرا خداوند، خائنان را دوست نمی‌دارد (انفال، ۵۸).

۳. دکتر سها، نقد قرآن، ص ۶۸۱.

۴. همان.

همچنین، واقدی (د. ۲۰۷ق) نقل کرده است که پیامبر اکرم ﷺ پس از نزول آیه ۵۸ سوره انفال فرمود: «من از بنی قینقاع بیم دارم»، سپس به سوی آنان رهسپار شد.^۱ بنابراین، برای پاسخ به شبهه یادشده، بررسی مستندات قرآنی و تاریخی آن، از جمله دلالت آیه ۵۸ سوره انفال – که در بین مفسران نیز چالش برانگیز بوده است – ضروری است. از این رو، در فصل حاضر با روش تحلیل محتوا و نیز با استفاده از تفسیر موضوعی (فرهنگ نقض معاهده در قرآن) به بررسی و نقد مستندات قرآنی و تاریخی شبهه «جواز شکستن قرارداد در صورت ترس از خیانت کفار» پرداخته می‌شود.

معاهده پیامبر ﷺ با یهود مدینه

هنگام ورود پیامبر ﷺ به یثرب، گروه‌های مختلفی در این شهر سکونت داشتند، از جمله مسلمانان، مشرکان بت‌پرست و یهودیان صاحب قلعه و سلاح.^۲ قدرت سیاسی و نفوذ فرهنگی این گروه‌ها اقتضا می‌کرد که پیامبر ﷺ با آنان پیمانی امضا کند تا با اطمینان بیشتری به رسالت خود در شهر یثرب بپردازد. از این رو، در آغاز هجرت، پیمان‌نامه‌ای میان مهاجران و انصار منعقد شد که نام برخی گروه‌های یهودی نیز در آن ذکر شده است.^۳ یهود بنی قینقاع، بنی قریظه و بنی نضیر نیز با پیامبر ﷺ قراردادی مستقل امضا کردند که مرحوم طبرسی آن را چنین نقل نموده است:

علی بن ابراهیم نقل می‌کند که یهود بنی قریظه، بنی نضیر و بنی قینقاع نزد پیامبر ﷺ آمده و گفتند: مردم را به چه می‌خوانی؟ فرمود به گواهی دادن به توحید و رسالت خودم، من کسی هستم که نامم را در تورات می‌یابید و علمایان گفته‌اند که از مکه ظهور می‌کنم و به این حره (مدینه) کوچ می‌کنم ... یهودیان گفتند: آنچه گفتی شنیدیم، اکنون آمده‌ایم با تو صلح کنیم که به سود و زیان تو نباشیم و کسی را علیه تو یاری نکنیم و متعرض یارانت نشویم، تو هم متعرض ما و دوستانمان نشوی تا ببینیم کار تو و قومت به کجا می‌انجامد. پیامبر ﷺ پذیرفت و میان آنان قراردادی نوشته شد که یهود نباید علیه پیامبر ﷺ یا یکی از یارانش به زبان، دست، اسلحه، مرکب، نه پنهانی و نه آشکارا، نه در شب و نه در روز، اقدامی انجام دهد و خداوند بر این پیمان گواه است. پس اگر یهود این تعهدات را نادیده بگیرد رسول خدا ﷺ می‌تواند خون ایشان

۱. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲. ابن شبه، تاریخ المدینة المنورة، ص ۴۵۹.

۳. ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۵۰۱.

بررسی و نقد شبهه پیمان شکنی پیامبر اکرم ﷺ در جنگ بنی قینقاع ۲۱

را بریزد، زن و فرزندانشان را اسیر کند و اموالشان را غنیمت بگیرد. آنگاه برای هر قبیله از این یهودیان نسخه‌ای جداگانه تنظیم شد.^۱

اگرچه این پیمان نامه منحصر به نقل طبرسی است و کتاب اعلام الوری نیز از منابع دست اول در موضوع سیره پیامبر ﷺ نیست، اما شواهدی در منابع دست اول در تأیید مفاد این پیمان نامه وجود دارد.^۲

غزوه بنی قینقاع

بنی قینقاع گروهی از یهودیان مدینه بودند که هیچ گونه کشت و زرع نداشتند و شغلشان زرگری بود؛^۳ اما از برخی گزارش‌های تاریخی استفاده می‌شود که آنان نیرو و امکانات زیادی داشتند.^۴ آنان نخستین گروه یهودی بودند که عهد خود را با پیامبر ﷺ شکستند و با ایشان وارد جنگ شدند.^۵ در مورد تاریخ دقیق این جنگ گزارش‌های مختلفی وجود دارد، اما آنچه مسلم است آن است که جنگ آنان با پیامبر ﷺ در فاصله سال دوم و سوم هجری و بین جنگ بدر و احد رخ داده است.^۶ در مورد دلایل وقوع این جنگ نیز گزارش‌های مختلفی نقل شده است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.^۷

۱. قال علی بن ابراهیم بن هاشم و جاء اليهود فُرِطَةُ وَ النَّضِيرُ وَ الْقَيْنَقَاعُ فَقَالُوا يَا مُحَمَّدُ اِلَى مَا تَدْعُو قَالَ اِلَى شَهَادَةِ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَ اَنِّي رَسُولُ اللَّهِ الَّذِي تَجِدُونَنِي مَكْتُوباً فِي التَّوْرَةِ وَ الَّذِي اَخْبَرَكُمْ بِهِ عُلَمَاؤُكُمْ اَنْ مَخْرَجِي بِمَكَّةَ وَ مَهَاجِرِي بِهَذِهِ الْحَرَّةِ ... فَقَالُوا لَهُ قَدْ سَمِعْنَا مَا تَقُولُ وَ قَدْ جِئْنَاكَ لِنُطْلُبَ مِنْكَ الْهُدَى عَلَى اَنْ لَا نَكُونَ لَكَ وَ لَا عَلَيْكَ وَ لَا نُعِينَ عَلَيْكَ اَحَدًا وَ لَا تَعْرِضَ لَنَا وَ لَا لِأَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا حَتَّى نَنْظُرَ اِلَى مَا يَصِيرُ أَمْرُكَ وَ أَمْرُ قَوْمِكَ فَأَجَابَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اِلَى ذَلِكَ وَ كَتَبَ بَيْنَهُمْ كِتَابًا اَنْ لَا يُعِينُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِهِ بِلِسَانٍ وَ لَا يَدٍ وَ لَا بِسِلَاحٍ وَ لَا بِكَرَاعٍ فِي السَّرِّ وَ الْعِلَانِيَةِ لَا بَلِيلَ وَ لَا بَنَهَارٍ وَ اللَّهُ بِذَلِكَ عَلَيْهِمْ شَهِيدٌ فَاَنْ فَعَلُوا فَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي جُلٍّ مِنْ سَفْكِ دِمَائِهِمْ وَ سَبَى ذُرَارِيَهُمْ وَ نِسَائِهِمْ وَ أَخَذَ أَمْوَالَهُمْ وَ كَتَبَ لِكُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْهُمْ كِتَابًا عَلَى حِدَةٍ (طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۵۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۱۰؛ احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۲۶۰).

۲. ر.ک: صادقی، پیامبر ﷺ و یهود حجاز، ص ۷۲-۷۴.

۳. واقعی، المغازی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۴. در برخی گزارش‌های تاریخی آمده است که آنان پس از جنگ بدر به رسول خدا ﷺ گفتند: «ای محمد گمان می‌کنی ما مثل قوم خود هستیم که جنگجو نبودند؟ اگر ما با تو نبرد کنیم خواهی دید کسی در جنگیدن به پای ما نمی‌رسد» (سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۴۷). دژهای مستحکم و امکانات نظامی آنان که به دست پیامبر ﷺ مصادره شد نیز گویای این مطلب است (واقعی، همان، ج ۱، ص ۱۷۸).

۵. واقعی، همان، ج ۱، ص ۱۷۷؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۴۷.

۶. همان.

۷. ر.ک: فصل دوم، ذیل عنوان «بررسی مستند تاریخی شبهه قرآنی پیمان شکنی پیامبر ﷺ در جنگ با یهود».

به هر روی، مسلمانان پانزده روز یهود بنی قینقاع را در میان دژهایشان محاصره کردند تا ناچار به تسلیم شدند. رسول خدا ﷺ دستور داد تا همه را بازداشت کنند و چنان که برخی مورخان نوشته‌اند، قصد کشتن آنان را داشت،^۱ اما با اصرار منافق معروف مدینه، عبدالله بن ابی که هم‌پیمان آنان بود، اموالشان را مصادره و آنان را تبعید نمود.^۲

اگرچه، مطلب یادشده در مورد تصمیم پیامبر ﷺ برای قتل عام بنی قینقاع و انصراف ایشان از این تصمیم آن هم با وساطت منافق معروف مدینه قابل تأمل بوده و مخالف دلایل ذیل است:

۱. قتل عام دشمنان، مخالف الگوی اخلاقی جهاد در قرآن است که در فصل چهارم کتاب حاضر به بررسی آن پرداخته خواهد شد؛

۲. حکم الهی در خصوص پیمان‌شکنی یهود، تبعید است و در آیه ذیل به این موضوع اشاره شده است:

«وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ»^۳ و اگر نه این بود که خداوند ترک وطن را بر آنان مقرر داشته بود، آنها را در همین دنیا مجازات می‌کرد؛ و برای آنان در آخرت نیز عذاب آتش است».

آیه پیش‌گفته به اتفاق مفسران در مورد تبعید یهود بنی نضیر نازل شده است^۴ و با توجه به مشابهت جرم یهود بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه،^۵ حکم یادشده شامل همه این گروه‌ها بوده است، چنان‌که براساس گزارش‌های تاریخی نیز پیامبر ﷺ یهود بنی قینقاع، بنی نضیر را تبعید نمود و برخورد با سران یهود بنی قریظه نیز به دلیل پشتیبانی آنان از احزاب مشرک بوده است؛ البته شبهه قتل عام آنان نیز – چنان‌که در فصل چهارم می‌آید – منتفی است و براساس قرائنی که ارائه خواهد شد، تنها سران آنان کشته شده‌اند.

۱. واقدی، همان، ج ۱، ص ۱۷۸؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۲.

۲. ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۴۸؛ واقدی، همان، ج ۱، ص ۱۷۶-۱۸۰.

۳. حشر، ۳.

۴. ر.ک: طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۲۸، ص ۲۱؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۸۷؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۹، ص ۵۰۱؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ۱۴، ص ۲۳۳؛ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۲۰۱؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۴۸۸.

۵. مقصود از مشابهت در جرم یهود حجاز افساد فی الارض بدون انجام قتل و سرقت است که حکم آن در دین اسلام، تبعید است.